

فرهنگ پوشش اعراب در عصر بعثت

بتول ساریحان^۱، منصوره رضائی^۲

چکیده

حجاب، دستور دینی است که در فطرت انسان‌ها قرار دارد. درباره حجاب زنان عرب در عصر جاهلی دو دیدگاه وجود دارد. عده‌ای بر عدم پوشش زنان اعتقاد دارند و نوشته‌اند زنان روسری را از پشت می بستند، موها و گردن آنها دیده می شد، لباس‌هایی که می پوشیدند بیشتر اعضای بدن آنها آشکار بود، زینت‌های خود را نشان می دادند و پوشش و حجاب مناسبی نداشتند. برخی دیگر بر پوشش کامل زنان عرب تأکید دارند و البته تعداد آنها اندک است. عدم توجه زنان بر پوشش خود، باعث اعتراض مردان می شد و آنها نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفته از این موضوع شکایت می کردند. از این رو، آیات حجاب نازل شد که به مؤمنان هشدار می دهد چشم‌چرانی نکنند و زنان بدن‌ها و سرهای خود را بیوشانند. زنان عرب به این آیات عمل کرده و از خانه با پوشش و حجاب کامل خارج می شدند.

واژگان کلیدی: فرهنگ پوشش، اعراب، جاهلیت، عصر بعثت.

۱. مقدمه

اسلام، آخرین دین الهی برای جلوگیری جامعه از انحرافات که سرچشمه آنها بی‌حجابی و بی‌عفتی و عدم رعایت پوشش صحیح است، برنامه‌ای به مردم داده که این شامل همه افراد بشر اعم از

۱. دانش آموخته تاریخ اسلام از کشور ترکیه، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه تاریخ اسلام و دبیرآموزش گروه تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

مرد و زن است. مسئله حجاب یا پوشش، مسئله‌ای دینی و بسیار مهم در تمام ادوار تاریخی است. در طول تاریخ، مواردی است که نشان می‌دهد زنان در مذاهب و تمدن‌های مختلف حجاب داشته‌اند. پژوهش حاضر، حجاب زنان عصر جاهلی را بررسی کرده و به این سؤالات پاسخ می‌دهد که آیا زنان عرب در دوره جاهلیت حجاب داشتند؟ اگر حجاب داشتند به چه روشی و از چه ابزارهایی برای پوشش استفاده می‌کردند؟ آیا پوشش زنان با ظهور اسلام تغییر یافته است؟ آیا حجاب با اسلام کامل شده است؟ آیا آیاتی که درباره حجاب نازل شده است در زنان عرب تأثیر گذاشته و به آن اهمیت داده‌اند؟

۲. فرهنگ پوشش اعراب و ابزارهای حجاب در عصر جاهلیت

حجاب در لغت به معنای رویوش، نقاب (سیاح، ۱۳۸۰، ۳۲۱/۱) یا هر آنچه میان دو چیز حائل شود (خلیل، ۱۳۸۱، ۸۰۷/۱) و در اصطلاح، پوشش زن از مرد بیگانه است (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۵). زنان عرب تبار، از لباس‌های متنوعی برای پوشش استفاده می‌کردند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. ازار

در اوایل اسلام، کلمه ازار به‌طور کلی برای انواع لباس به کار می‌رفت. دهخدا می‌گوید: «ازار یعنی، کل ما سترك؛ یعنی هرچه که شما را بپوشاند». (دهخدا، بی تا، ذیل واژه) در تمام دوران اسلام از زمان پیامبر ﷺ تاکنون این کلمه همیشه به معنای چادر بزرگ یا رویوشی که زنان شرق خود را با آن می‌پوشاند، بوده است. (دزی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸)

۲-۲. جلباب

جامه وسیعی بود از چارقد بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر که زنان با آن سر و سینه خود را می‌پوشاندند و در موقع خروج از منزل، از این پوشش استفاده می‌کردند (بیتران، ۱۳۸۸، ص ۲۰-۲۱) و به معنای چادر بزرگی است که در شرق، زنان هنگام بیرون شدن از خانه، سرتاسر پای خود را در آن می‌پوشاندند. بخاری، جلباب را مرادف ازار به کار برده است. جوهری نیز جلباب را ملحفه معنی می‌کند. فرهنگ‌نویسی در این مورد اضافه می‌کند که زنی از قبیله هذیل، در ماتم مردی که در

جنگ کشته شده چنین نوحه سرایی می‌کند: «کرکس‌ها به آنجا که او از پا درافتاده، می‌روند و از دیدنش شادی می‌کنند. همچنین دوشیزگان پوشیده در جلباب‌های خود، نزد او می‌روند» (پیتران، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

۲-۳. خمار

يك قطعه جامه نادوخته بود (همانند روسری) که در آن زمان، زنان برای پوشش سرشان از آن استفاده می‌کردند. (مهريزي، ۱۳۸۹، ص ۲۶)

۲-۴. نقاب

فعل نَقَبَ در عربی به معنای سوراخ کردن است. کلمه نقاب، به معنای پرده سوراخ‌دار آمده است. در سفرنامه خیستل آمده است: «زنان روستایی، قطعه پارچه‌ای در برابر چهره قرار می‌دهند که دو سوراخ در آن تعبیه شده و از این سوراخ‌ها می‌توانند، ببینند» (مهريزي، ۱۳۸۹، ص ۲۶). بلون نیز می‌گوید: «زنان روستای عرب و مصر از نظر شکل ظاهر بسیار ناخوشایندند و به نقاب پوشان شباهت دارند؛ زیرا فقط يك پارچه نخی سیاه یا به رنگ‌های دیگر، در جلو چشمان خود قرار می‌دهند که روی صورتشان آویزان می‌شود و هرچه به طرف چانه می‌آید تیزتر می‌شود و مانند نقابی است که دختران جذامی به چهره خود می‌بستند، اما برای اینکه بتوانند از پشت این پارچه ببینند، در محل چشم‌ها دو سوراخ تعبیه می‌کنند» (مهريزي، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

۲-۵. برقع

کنت دو شابرول آن را چنین شرح می‌دهد: «برقع، پرده‌ای است که چهره را از نقطه مبدأ بینی می‌پوشاند و از اطراف و روی پیشانی به سر بند متصل می‌شود. از يك قطعه پارچه موسلین یا کتان سفید نازک به شکل چهره انسان درست شده و تا روی زانوها آویزان می‌شود. پوشیدن این پرده، برای زنانی که از خانه خارج می‌شوند، ناگزیر است». (مهريزي، ۱۳۸۹، ص ۲۶) در کتاب پوکوک آمده است: «زنان توده در برابر صورت خود نوعی پیش‌بند دارند که در بالای بینی با يك نوار به سر بند متصل می‌شود» (مهريزي، ۱۳۸۹، ص ۳۲۹).

۲-۶. جبه

جُبَه یا جُبِه، هم برای مرد و هم برای زن استفاده می‌شده است. لین درباره جبه زنان می‌گوید: «زنان توانگران، جبه‌ای از ماهوت، مخمل یا از ابریشم که بیشتر زردوزی یا گلدوزی‌هایی از ابریشم الوان دارد بر روی لباس می‌پوشند. اختلاف اصلی میان این جبه و جبه مردان، در این است که جبه زنان به خصوص در قسمت جلو، چندان گشادنیست و درازتر است». در تصویری که لین از جبه زنان ارائه می‌کند، آستین‌ها تا مچ دست می‌رسد. (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۷۶)

۲-۷. سراویل

کلمه سراویل، مشتق از کلمه فارسی شلوار است و از اوایل عهد اسلام استفاده می‌شده است. در مغرب نیز این لباس استفاده می‌شود. در کتاب دیگر دوهائو آمده است: «وقتی زنان از خانه خارج می‌شوند، شلوارهای کتان به پا دارند که با صابون شسته و بسیار سفید شده است. این شلوارها تا قوزک پای آنها می‌آید». (پیتران، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱)

۲-۸. قمیص

شرفیان، پیراهن خود را به خلاف رسم اروپائیان که داخل شلوار می‌کنند، روی شلوار می‌اندازند. پیراهن زنان، از پارچه‌های ابریشمی، نخی بسیار لطیف، کتان، موسلین، نخ و ابریشم و از پارچه کرشه الوان و گاهی سیاه دوخته می‌شود. (پیتران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴)

۲-۹. قناع

کلمات قناع، مقنع و مقنعه به معنای قطعه پارچه‌ای است که زن و مرد به سر می‌بندند. ابن بطوطه، درباره بلغاری‌های ولگا می‌گوید: «زنانی که وزیر و حاجب بودند، يك مقنعه ابریشمی با حواشی زرکشی و ضریب به جواهر به عنوان کلاه بر سر داشتند». (پیتران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷) اختلاف میان قناع و مقنع به گفته فرهنگ‌ها این است که مقنع به اندازه قناع، پهن نیست. کلمه قناع، شاید هم مقنع و مقنعه، به معنای يك حجاب چهره است که زنان به کار می‌برند. لین آن را چنین شرح می‌دهد: «يك قطعه موسلین است که يك اون بیشتر درازا و قدری کمتر پهنا دارد. يك

قسمت آن را در زیر ازار، روی سر می‌اندازند و بقیه آن از جلو تا روی شکم می‌افتد و به‌طور کامل صورت را می‌پوشاند» (پیتران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸). پوشش‌هایی که ذکر شد، معروف‌ترین و مشهورترین لباس‌هایی بود که اعراب استفاده می‌کردند (ر.ک.، راینهار پیتران، ۱۳۸۸). پوشش، امری فطری و طبیعی است که در تمام ادوار تاریخی نشانه‌های آن وجود دارد.

۳. پوشش زنان در عصر جاهلیت

۳-۱. نظریه پوشش زنان جاهلی

اطلاعات تاریخی و شعری در مورد پوشش زنان جاهلی، بیانگر دو دیدگاه متفاوت در این زمینه است. بعضی از آنها بیانگر پوشش کامل زنان جاهلی در انظار عموم است به‌گونه‌ای که آنها نه تنها سر، بلکه صورت خود را نیز می‌پوشاندند تا جایی که تنها چشم آنها نمایان می‌شد. برخی از اطلاعات نیز، بیانگر عدم پوشش آنهاست. براساس این دیدگاه در جامعه جاهلی، زنان حجاب و پوشش کافی داشتند. از بهترین نمونه‌های آن، جنگ فجار ثانی است که به دلیل اهانت دو جوان قریشی به زن محجوبی که نقاب بر چهره داشت، اتفاق افتاد. آورده‌اند: «دختری از قبیله بنی‌عامرین صعصعه نشسته بود که جوانان مکه خواستار صحبت با او شدند و از او خواستند روپوش را باز کند. وقتی آن دختر به آنها توجهی نکرده و روپوش را باز نکرد، یکی از جوان‌ها بدون آنکه آن زن متوجه شود، پایین پیراهنش را با خاری به بالابست و وقتی آن دختر جوان برخاست، قسمت پایین تنه او پیدا شد و همه خنده‌کنان گفتند تو چهره‌ات را از ما باز داشتی، ولی الآن ما پشت تو را دیدیم. آن دختر جوان فریاد کنان قوم را صدا زد. این ماجرا سرآغاز جنگی بین دو قبیله شد». (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۰) در این دوره، نمونه‌هایی از حجاب کامل زنان نمی‌توان یافت. بیشتر نظرات، تأکید بر عدم حجاب زنان جاهلی است، ولی بازهم نتیجه قطعی نیست؛ زیرا اطلاعاتی که در منابع مختلف آمده، به‌گونه‌ای است که زنان عرب هرچند پوشش داشتند، ولی کامل نبوده است.

۲-۳. نظریه‌های عدم پوشش زنان جاهلی

استاد شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب می‌گوید: «قبل از اسلام در میان بعضی ملل، حجاب وجود داشت، اما در جاهلیت عرب، حجاب وجود نداشته است و حجاب، با اسلام در عرب پیداشده است». (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۹) درجایی دیگر آمده است که زنان در دوران جاهلیت، به پوشش کامل مقید نبودند. زمخشری در این زمینه نوشته است: «گریبان جامه زنان، گشاد بود به گونه‌ای که گودی گردن، سینه‌ها و اطراف آن، آشکار می‌شد. زنان، روسری خود را به پشت سر می‌بستند و از جلو، مکشوف می‌ماندند. برخی زنان، گام بر زمین می‌کوفتند تا از صدای خلخال او دریابند که خلخال دارند. گفته‌اند که نگاه نیز برای آنکه معلوم شود دو خلخال دارند، پاهایشان را به هم می‌زدند» (شمس‌الدین، ۱۳۸۲، ص ۵۱-۵۲). این نحوه پوشش در لباس زنان، بعد از ظهور اسلام تا مدتی پس از هجرت نیز ادامه داشت تا آنکه قانون پوشش در سوره نور نازل شد. روایات وارده درباره شرایط نزول آیه حجاب نیز دلالت بر این امر دارد (شمس‌الدین، ۱۳۸۲، ص ۵۲). از این اطلاعات دریافت می‌شود که زنان عرب در زمان جاهلیت، زیورهای خود را نشان می‌دادند. اگر هم حجاب داشتند این زیورها قابل دیدن بوده است، پس حجاب آنان کامل نبوده است.

جواهر لعل نهرو، درباره حجاب از دیدگاه قرآن و سنت چنین می‌گوید: «میان زنان عرب، رسم حجاب و پرده وجود نداشت». (فتاحی، ۱۳۹۲، ص ۱۸) بسیاری از اشعار دوره جاهلیت در شرایط خاصی، زنان را بدون پوشش سروصورت و در برخی موارد برهنه تعریف کرده‌اند. برای مثال در هنگام عزاداری و مرثیه سرایی است. چنانکه در داستان مرگ مالک و شعر ربیع بن زیاد آمده است: «زنانی که قبلاً صورت خود را می‌پوشانیدند، امروز چهره‌های خود را برای دیگران آشکار می‌کنند» (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۳-۲۴). نمونه دیگر، ترك حجاب از ترس اسارت است. برخی زنان در زمان جنگ، وقتی از شکست و عقب‌نشینی قوم خود مطمئن می‌شدند، از ترس اسارت، حجاب را کنار گذاشته و خود را شبیه به کنیزان می‌کردند تا بتوانند از این طریق فرار کرده و اسیر دشمن نشوند (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

لازم به ذکر است که در دوران جاهلیت، زنان اشراف و زنان آزاد در نوع پوشش با کنیزان متفاوت بودند. زنان بالا مقام، حجاب داشتند، ولی کنیزان بی حجاب بودند و از طریق پوششان معلوم می‌شد که آنها کنیز هستند. براساس گواهی متون تاریخی در بیشتر ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است. هرچند در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را پیموده و گاه با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید و یا تخفیف یافته است، ولی هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. تاریخ‌نگاران، به ندرت از اقوام بدوی یاد می‌کنند که زناشان پوشش مناسب نداشته یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند. دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ماقبل تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

در کتاب مسئله حجاب از ویل دورانت نقل می‌کند که در قرن اول هجری، زنان مسلمان حجاب کامل نداشتند. مردان و زنان با یکدیگر ملاقات می‌کردند و در کوچه‌ها پهلوه پهلو می‌رفتند و در مسجد باهم نماز می‌خواندند. حجاب در زمان ولید دوم (۱۲۶-۱۲۷ هـ) معمول شد. (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲۲). ویل دورانت طوری سخن می‌گوید که گویی در زمان پیامبر ﷺ، کوچکترین دستوری درباره پوشیدگی زن وجود نداشته و زنان مسلمان تا اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم با بی‌حجابی کامل رفت و آمد می‌کرده‌اند. حال آنکه چنین نیست و تاریخ برخلاف آن شهادت می‌دهد. بدون شک، زن در عصر جاهلیت آن‌طور بوده که ویل دورانت توصیف می‌کند، ولی اسلام در این مورد، تحولی به وجود آورد (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲۲-۲۳). در جایی دیگر این‌گونه آمده است: «بخشی از مردم جاهلی از پیروان آیین یهود بودند. از این رو، پوشش و حجابی متناسب با دین خود داشتند. در جریان نبرد خیبر، صفیه، دختر محی بن احطب، به اسارت مسلمانان درمی‌آید و پس از آن، افتخار همسری پیامبر ﷺ را می‌یابد. او در شرح جریان اسارت خود می‌گوید: درحالی که بر سرم پوشش داشتم، مرا نزد رسول خدا ﷺ بردند» (طیبی، ۱۳۸۹، ص ۴۷). همچنین سفانه، دختر حاتم طائی، می‌گوید: «پس از اسارتش، گوشه ردای خود را بر روی صورت می‌انداخت. بنابراین، در مدت حضور در مدینه، چهره حضرت علی ع را ندیده تا او را بشناسد». (واقعی، ۱۳۸۸، ۱۶۴/۲)

قبل از پذیرش اسلام، اعرابی که به دین یهود بودند، حجاب داشتند، اما شریعت اسلام این حکم را قانونمند کرد و برای آن حد و حدود مشخص کرد و پیرایه‌ها را از آن زدود. برخی از اعراب جاهلی به دین حنیف بودند و برخی پیرو مسیحیت. اما آن گروه که به هیچ‌یک از ادیان وابستگی نداشتند و بت پرست و مشرک بودند به دو گروه تقسیم می‌شدند: گروهی که زنان خود را به پوشش و حجاب وامی‌داشتند و گروهی که زنان خود را به خودآرایی و تبرج وادار می‌کردند که در قرآن کریم عمل این گروه، به طور صریح نهی شده است (طیبی، ۱۳۸۹، ص ۴۸). عقیده‌ای مشخص و یکپارچه از اعراب عصر جاهلی در مورد حجاب، نمی‌توان ارائه داد، اما نکته قابل توجه این است که وجود لفظ جلاباب (ر.ک.، احزاب: ۵۹) و خمار (ر.ک.، نور: ۳۱) در قرآن کریم نشانگر این است که در عصر جاهلی، پوشش‌هایی با این عناوین وجود داشته و اسلام با افعال بدین و لیضربن، حدود آن را به طور شفاف و مشخصی بیان کرده است.

پوشش زنان عرب، یکی از ارزش‌های آن جامعه و عدم پوشش آنها نشانی از پستی، فاحشگی و پایین بودن سطح فرهنگشان بود. از این رو، پوشش زنان اشراف و آزاد با زنان فقیر و کنیز متفاوت بود. زنان اشراف، بیشترین پوشش را داشتند و استفاده از خمار و جلاباب، پوششی برای عموم بود. (ر.ک.، مهریزی، ۱۳۸۹) درباره عفت زنان عرب جاهلی، دکتر عبدالعزیز سالم معتقد است: «در میان اعراب عصر جاهلیت، افرادی بودند که در لذت و عشرت غوطه می‌خوردند و درباره زنان به تغزل‌های مغایر با عفت و پاکدامنی می‌پرداختند. در عین حال، افرادی نیز بودند که به پاکدامنی و چشم‌پوشی از زنان و لذت‌های دیگر شهرت داشتند. پاکدامنی نیز مانند شجاعت و بخشندگی از لوازم و شرایط سروری بود. آنان به پاکدامنی خود افتخار می‌کردند و به ستایش از آن می‌پرداختند» (سالم، ۱۳۹۱، ص ۳۴۷). در منابع مختلف، نظرات مختلفی آمده است. هرگز نمی‌توان يك نظر ثابت را پذیرفت و به آن استناد کرد. آنچه بیشتر محققان در این زمینه می‌گویند، عدم پوشش کامل زنان جاهلی است.

آیه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که در خانه‌هایشان بمانند: «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ خود را مانند جاهلیت نخستین زینت نکنید» (احزاب: ۳۳). از این آیه

این گونه برداشت می شود که در دوران جاهلیت، زنان زینت های خود را آشکار می کردند و نزول این آیه، آنان را از این کار نهی می کند. از دیگر دلایلی که نشان می دهد زنان دوران جاهلیت حجاب نداشتند این است که در آن زمان، افرادی که از قبایل دور و نزدیک برای زیارت خانه خدا می آمدند سه گروه بودند: گروه اول، قبایلی که خانه خدا را عریان طواف می کردند و به آنها حله گفته می شد. گروه دوم، قبایلی که خانه خدا را با لباس طواف می کردند و به حمس معروف بودند و گروه سوم، مخلوطی از این دو گروه بودند و طلس نام داشتند. گروه اول در آوردن لباس را در زمان طواف بر خود واجب می دانستند. آنها معتقد به برکناری گناه با کندن لباس بودند و اعتقاد داشتند نباید خدا را با لباس هایی که در آنها گناه انجام داده اند، عبادت کنند. این قاعده عمومی، در میان قبایل حله بود و کسی جرأت مخالفت با آن را نداشت. زنان نیز از امر عموم مستثنی نبودند و در حالی که خود را برهنه می کردند، به طواف می پرداختند. قرطبی و طبری نیز در شأن نزول آیه ۳۱ سوره اعراف به این موضوع اشاره کرده اند که مشرکان، کعبه را برهنه طواف می کردند. مردان در روز و زنان در شب. پس، برهنه طواف کردن، حرام شد و این آیه نازل شد. (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۵)

با بررسی و مشاهده تاریخ ملت های مختلف، مطالبی دال بر حجاب زنان پیدا می شود. به ویژه در هند و ایران، نمونه هایی است که زنان، مناسب با منصب و عقیده خویش، پوشش و حجاب داشتند، ولی درباره زنان عرب این گونه نیست. در دوران جاهلیت، برخی افراد قائل به پست ترین مقام به زنان هستند و هیچ ارزشی برای آنان قائل نبودند.

۴. چگونگی و وضعیت پوشش زنان قبل از الزام به پوشش و ابزارهای حجاب در دوره ظهور

با ظهور پیامبر ﷺ همه عالم از تاریکی ها و پلیدی ها خارج شد و تمام جهان بابرکت رسول ﷺ روشنایی یافت؛ زیرا پیامبر خاتم ﷺ در ابتدا دعوت مخفی داشتند و بعدها هم برای آماده سازی مردم با قوانین الهی، کوشش بسیار کردند و دستورات الهی را به مرور زمان بیان کردند. حجاب هم به همین صورت بود. حجاب از اول بعثت واجب نشده بود و زنان به پوشش

خود توجه زیادی نداشتند. برخی، پوشش ناقص و برخی پوشش کامل داشتند. زمانی که پیامبر اکرم ﷺ به پیامبری مبعوث شد با ایشان بیعت کردند. مردها با پیامبر ﷺ دست می‌دادند، ولی زنان دست نمی‌دادند؛ زیرا حضرت فرموده بود که من با زن‌ها دست نمی‌دهم. در نتیجه هنگام بیعت با زن‌ها بر دست خویش ردا و یا ملافه‌ای گسترده و آنان با آن حضرت بیعت کردند (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۱/۸). این کار پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که هنگام بیعت با زنان، دستش را پوشش می‌داد. این سؤال در ذهن آنها ایجاد می‌شد که چرا هنگام بیعت با زن‌ها، حضرت مصافحه نکردند؟ اگر دلیل بر زن بودن آنها باشد که پیامبر ﷺ نباید با زن‌ها غیرمستقیم هم بیعت کند، ولی این طور نبود. پیامبر اکرم ﷺ با زن‌ها هم بیعت کردند. پس علت مصافحه نکردن پیامبر ﷺ اهمیت پوشش را به آنها نشان می‌دهد. حضرت این امر را نیز به صورت تدریجی و با اعمال خویش برای آنها روشن می‌کرد. نمونه دیگر در این خصوص، به نقل از کتاب طبقات الکبری آمده است: «ام عامر می‌گفت که من و لیلی، دختر خطیم و حوا، دختر یزید بن سکن بن کرز بن زعورا، در حالی که چادرهای خود را به خود پیچیده بودیم میان نماز مغرب و عشا به حضور پیامبر ﷺ رفتیم. من سلام دادم و گفتیم آمده ایم با شما بر اسلام بیعت کنیم و ما شما را تصدیق کرده ایم. ام عامر می‌گوید که به پیامبر ﷺ نزدیک شدم. ایشان فرمود: با زن‌ها مصافحه نمی‌کنم. سخن من برای هزار زن، چون سخن من برای یک زن است» (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۸/۸).

سیره و شیوه زندگی مردم قبل از ظهور اسلام و پس از آن و قبل از آمدن قانون پوشش یا حجاب، حاکی از آن است که بازگذاشتن اعضای مذکور و بلکه سینه، ساق و ساعد نیز امر طبیعی و معمول بوده است. خداوند متعال در آغاز بعثت نبوی و تا مدتی پس از هجرت، زنان مسلمان را به وجوب پوشیدن این اعضا و اندام دیگر، امر نفرمود و جواز بازگذاشتن این اعضا و غیر آن در مقابل بیگانه، معلوم و روشن بود. (شمس الدین، ۱۳۸۲، ص ۵۷) در جای دیگر درباره لباس زنانه، آمده است: «اشراف و اشخاص ثروتمند، چندین نوع لباس می‌پوشیدند، ولی لباس فقر، عبارت از یک پیراهن بلندی است که از کمر تنگ و نیز برقی است که صورت را پوشانیده و فقط چشم‌ها

پیدااست. زنان دهقان‌ها، با همین لباس ساده در کمال سکینه و وقار حرکت کرده و الهه‌های قدیمی یونان را به خاطر می‌آوردند. این زنان، با سینه‌های برجسته و شانه‌های پهن، سبوی آب را روی سر گذاشته از جلو می‌روند. در طبقات عالی، لباس زنان آن‌قدرها هم ساده نیست، ولی در همه حال، مناسب و موزون و موقر و سنگین است. پیراهن، توری است از ابریشم که روی سینه گلابتون کاری شده و زیرش هم شلوار است. زن‌ها هر وقت که بیرون می‌روند، همیشه بالای لباس ردا و بر صورت نقاب استعمال می‌کنند» (گوستاولوبون، ۱۳۷۶، ص ۴۳۸-۴۳۹).

زنان آن زمان با پوشش خود، باعث جلب توجه مردان می‌شدند. از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبه‌رو شد. چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد. در آن زمان، زنان، مقنعه خود را پشت گوش می‌بستند. زن، وارد کوچه تنگی شد. جوان همچنان به شدت به پشت سر خود نگاه می‌کرد. ناگهان صورت به دیوار خورد و تیغی، استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت. با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم. هنگامی که چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله به او افتاد فرمود چه شده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه سی سوره نور را آورد» (شمس الدین، ۱۳۸۲، ص ۶۴؛ ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲۸۸/۳-۲۸۹). این ماجرا، نشان‌دهنده آن است که زنان قبل از واجب شدن حجاب، پوشش کامل نداشتند. مقنعه‌ای که سر می‌کردند، جلوی آن باز بوده و جلب توجه می‌کرد. این ماجرا هرچند باعث به گناه افتادن مردی از انصار شده بود، ولی با نزول آیه فوق حجاب واجب نشد بلکه به مردان اشاره دارد که چشمان خود را بیوشانند. در آن زمان، پیامبر صلی الله علیه و آله از پوشیدن جامه گشاد نهی کرده بود، اما بعضی اعراب این دستور را ندیده می‌گرفتند. همه طبقات، زیورهایی داشتند، زنان، پیکر خود را به نیم‌تنه و کمربند براق و جامه گشاد و رنگارنگ می‌آراستند. موی خود را به زیبایی دسته می‌کردند یا به دو طرف سر می‌ریختند. یا به دسته‌ها بافته به پشت سر می‌آویختند و گاهی اوقات با رشته‌های سیاه ابریشم نمایش آن را بیشتر می‌کردند. زنان خود را به جواهر و گل

می‌آراستند. بعد از سال ۹۷ هجری، چهره خویش را از زیر چشم به نقاب می‌پوشیدند. از آن پس، این عادت همچنان رایج بود (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲۳-۲۴).

در کتاب حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آمده است: «جایگاه بلند و شخصت والای حضرت زهرا علیها السلام روشن تر از آن است که نیاز به گفت‌وگو باشد. در روایاتی آمده است که به هنگام تولد، لباسی از بهشت برای آن حضرت آورده شد و جسمش پوشش کامل یافت تا زمینه برای تعالی روحش باشد. دو جامه سفیدی که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود، آوردند. یکی را به اندام پیچید و دومی را مقنعه ساخت.» (فتاحی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲) از این روایات، مطهر بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مشخص می‌شود. قبل از اینکه حجاب بر زنان واجب شود خداوند در زمان تولد ایشان، حجاب را به ایشان تقدیم کرد. به نظر می‌رسد که در زمان ظهور اسلام در آیین‌های مختلف به ویژه در بین یهودیان، حجاب زنان سخت‌تر بود. نمونه‌هایی از پوشش زنان یهودی و مسیحی وجود دارد. براین اساس، نمی‌توان گفت که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ زنی حجاب نداشت. بنابراین، باید بررسی شود که هنگام واجب شدن حجاب، وضعیت پوشش چگونه بوده است و آیا زنان به دلیل الزام حجاب پوششان را تغییر دادند؟

۵. آیات حجاب و شأن نزول آن

سوره‌های نور و احزاب از سوره‌های مدنی قرآن است. براساس نقل بسیاری از دانشمندان علوم قرآن، سوره احزاب که متعرض حوادث سال پنجم هجری است، چهارمین یا پنجمین سوره‌ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و سوره نور نیز بعد از سوره نصر و بعد از صلح حدیبیه (سال ۶ هـ. ق) و قبل از فتح مکه (ماه رمضان سال ۸ هـ. ق) در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. (جمشیدیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰) خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله داخل مشوید، مگر شما را به خوردن طعامی فراخوانند، بی‌آنکه منتظر بنشینید تا طعام حاضر شود. اگر شما را فراخوانند داخل شوید و چون

طعام خوردید پراکنده گردید؛ نه آنکه برای سرگرمی سخن آغاز کنید. هرآینه این کارها پیامبر ﷺ را آزار می‌دهد و او از شما شرم می‌دارد، ولی خدا از گفتن حق شرم نمی‌دارد و اگر از زنان پیامبر ﷺ چیزی خواستید از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنها پاك دارنده‌تر است. شما را نرسد که پیامبر خدا را بیازارید و نه آنکه زنهایش را بعد از وی هرگز به زنی گیرید. این کارها در نزد خدا گناهی بزرگ است» (احزاب: ۵۳).

درباره شأن نزول این آیه روایتی به شکل‌های مختلف نقل شده است، ولی آنچه درست‌تر به نظر می‌رسد این است که هنگامی که رسول خدا ﷺ با زینب، بنت جحش، ازدواج کرد ولیمه مفصلی به مردم داد. سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر همچنان در اتاق پیامبر ﷺ ماندند و مشغول بحث و گفت‌وگو بودند که آیه فوق نازل شد. مطابق بعضی قرائن گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر ﷺ می‌آمدند. برای حفظ حیثیت همسران پیامبر ﷺ آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هرگاه می‌خواهند چیزی از آنها بگیرند از پشت پرده بگیرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۶۲۶/۳)

از این آیه، چند حکم الهی صادر می‌شود؛ روشن است که قرار گرفتن همسران پیامبر ﷺ در معرض دید مردم، هرچند با حجاب اسلامی باشد، کار خوبی نبود. بنابراین، دستور داده شد که از پشت پرده یا پشت در باشد. قرآن، بعد از این دستور، فلسفه آن را چنین بیان می‌فرماید: «این برای پاک‌ی دل‌های شما و آنان بهتر است». خداوند در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را فروگیرند و شرمگاه خود نگه‌دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقتعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدرشوهر خود یا پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود یا پسر خواهر خود یا زنان هم‌کیش خود یا بندگان خود یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به آن ندارند یا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید» (نور: ۳۱). این آیه به شرح وظایف زنان در این زمینه می‌پردازد. نخست به وظایفی که مشابه مردان دارند اشاره کرده و می‌فرماید: «چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فروگیرند و

دامان خود را حفظ نمایند، و به این ترتیب، چشم چرانی همان‌گونه که بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام است و پوشاندن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.» سپس در سه جمله به مسئله حجاب که از ویژگی زنان است اشاره کرده که عبارتند از:

الف) زن‌ها نباید زینت خود را آشکار کنند، جز آن مقدار که به‌طور طبیعی ظاهر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲۸۹/۳) بنابراین، زنان حق ندارند زینت‌هایی که پنهانی است را آشکار کنند، هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب، حتی آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی با چادر می‌پوشند، مجاز نیست؛ زیرا قرآن از ظاهر کردن چنین زینت‌هایی نهی کرده است؛

ب) حکم دیگری که در آیه بیان شده این است که روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود. این نشان می‌دهد که زنان، قبل از نزول آیه، ادامه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور شود؛

ج) در سومین حکم، مواردی را که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را بگیرند و زینت پنهان خود را آشکار کنند، آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲۹۰/۳)

آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: «ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است.» زنان مسلمان، به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر ﷺ نماز می‌گذاشتند. هنگام شب، زمانی که برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنها می‌شدند. آیه نازل شد و به آنها دستور داد که حجاب خود را به‌طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن از دو راه اقدام می‌کند. در قسمت اول می‌گوید: «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان

مؤمنین بگو جلاب‌های [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سرزده، توبه کنند». هدف این است که زنان مسلمان، در پوشیدن حجاب، سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند. مثل بعضی از زنان بی‌بندوبار که در عین داشتن حجاب، آنچنان بی‌پروا و لابالی هستند که قسمت‌هایی از بدن آنها نمایان است و همین، توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند. از آنجا که نزول این حکم، جمعی از زنان باایمان را نسبت به گذشته پشیمان می‌کرد، در پایان آیه می‌افزاید: «خداوند همواره آمرزنده و مهربان است»؛ یعنی هر کدام از شما که تاکنون در این امر کوتاهی کرده‌اید، چون به دلیل جهل و نادانی بوده است خداوند شما را خواهد بخشید. توبه کنید و به سوی او بازگردید و وظیفه عفت و پوشش را به خوبی انجام دهید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۶۳۱/۳-۶۳۰)

در آیه ۳۲ سوره احزاب آمده: «ای زنان پیامبر! شما همانند دیگر زنان نیستید اگر از خدا بترسید، پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد و سخن پسندیده بگوید». (احزاب: ۳۲) همسران پیامبر ﷺ باید چنین باشند. در آیات گذشته، سخن از موقعیت و مسئولیت سنگین همسران پیامبر ﷺ بود. این موضوع همچنان ادامه می‌یابد و طی آیاتی، هفت دستور مهم به همسران پیامبر ﷺ می‌دهد. نخست در مقدمه کوتاهی می‌فرماید: «ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید. شما به خاطر انتساب به پیامبر ﷺ موقعیت خاصی دارید که می‌توانید سرمشقی برای همه زنان باشید، چه در مسیر تقوا و چه در مسیر گناه». به دنبال این مقدمه که آنان را برای پذیرش مسؤولیت‌ها آماده کرده و به آنها شخصیت می‌دهد، نخستین دستور را در مورد عفت صادر می‌کند و به سراغ يك نکته مهم می‌رود تا مسائل دیگر در این رابطه خودبه‌خود روشن شود. می‌فرماید: «پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیمارداران در شما طمع کنند، بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به‌طور معمولی سخن بگویید. نه همچون زنان کم‌شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک‌کننده که

گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند، سخن بگویند». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۶۰۷/۳)

خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «و در خانه‌های خود بمانید و چنانکه در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد». (احزاب: ۳۳) سپس سومین دستور را که آن نیز در زمینه رعایت عفت است چنین بیان می‌کند: «و شما در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین، در میان مردم ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید». (احزاب: ۳۳) منظور از جاهلیت اولی، همان جاهلیتی است که مقارن با عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. به طوری که در تواریخ آمده در آن موقع، زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آنها نمایان بود و به این ترتیب، قرآن همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از این اعمال باز می‌دارد. بدون شك این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تأکید بیشتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۶۰۸/۳) این آیات، نشان‌دهنده آن است که خداوند متعال در برابر بی‌حجابی و بی‌عفتی زنان خاموش نمانده، بلکه آیاتی را نازل کرده و به زنان دستور داده که جلباب‌های خود را بپوشند، زینت‌هایشان را آشکار نکنند و مقنعه را روی سینه‌هایشان بیفکنند و چادرهایشان را بر تن نکنند.

۶. الزام اسلام به حجاب و تاریخچه آن

بی‌شک، پوشش زن در برابر مردان نامحرم از ضروریات دین اسلام است که درباره جنبه اسلامی آن نمی‌توان تردیدی داشت. حجاب اسلامی به معنای حبس زن در خانه و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۳۷) چون زنان پوشش خود را رعایت نمی‌کردند، آیات حجاب نازل شد. اولین آیه‌ای که برای حجاب نازل شده

است آیه ۵۳ سوره احزاب بود. واضح و روشن است که اولین آیه حجاب، مربوط به زنان پیامبر ﷺ بوده و شامل عموم زنان نمی‌شد.

۱-۶. تأثیر الزام اسلام بر پوشش زنان

بعد از الزامی شدن حجاب، وضعیت پوشش زنان تغییر یافته و به آیات قرآن عمل کردند. زنانی که حجاب نداشتند، خودشان را با حجاب کردند و زنانی که حجابشان کامل نبود، یعنی روسری خود را از پشت سر می‌بستند بر دستورات قرآن عمل کرده و روسری را روی سینه خود قراردادند. زنان انصار، زمانی که آیات سوره نور نازل شد، سر خود را با روسری‌های مشکی می‌پوشیدند، گویی کلاغ روی سرشان نشسته است. (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲۳-۲۴؛ رجبی، ۱۳۸۸، ص ۴۴) همچنین آمده است: «رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل کرد، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سروگردن خود را پوشاندند» (جمشیدی، ۱۳۸۴، ص ۹). سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) نیز به سند خود از ام سلمه نقل می‌کند که بعد از نزول این آیات، زنان انصار از منازلشان با پوشش‌های مشکی خارج می‌شدند به گونه‌ای که به نظر می‌رسید بر سر ایشان کلاغ نشسته است. از این شواهد تاریخی به دست می‌آید که الزام بر پوشش بر پوشش زنان تأثیر بسیار خوبی گذاشته است. دین اسلام برای رشد و کمال انسان است که در هر زمینه کوشیده و چه با آیات قرآن و چه با معجزات پیامبر ﷺ این واقعیت را تصدیق می‌کند.

۲-۶. نوع پوشش زنان

حضرت زهرا علیها السلام برترین الگوی زنان و عالی‌ترین چهره بشریت، گو اینکه فریاد علیه ظلم را پیشه دارد و ستم بر امت خویش را بر نمی‌تابد و از محدوده خانه پا به بیرون می‌نهد و در اجتماع حضور می‌یابد و با بلیغ‌ترین جمله‌ها از حق و حقیقت دفاع می‌کند، اما اینها همه با آزر، حیا و عفاف است. او درحالی که مقنعه را محکم به سر بسته و خود را در جامه‌ای فراگیر پیچیده بود در جمع زنان بنی‌هاشم با ابهت، آزر و متانت شگرفی قدم برمی‌داشت و راه رفتن او برای همگان، راه رفتن

همسر رسول خدا ﷺ را به یاد می‌آورد. آن حضرت، این عمل را پس از رحلت نیز پاس می‌دارد و دستور می‌دهد حفاظی بر بدنش قرار دهند که حجم بدن نمایان نباشد. (فتاح‌زاده ۱۳۹۲، ص ۱۳۳) در مورد عفت و حجاب حضرت فاطمه علیها السلام، روایات گوناگونی بیان شده است. درباره ایشان، همیشه به خوبی یاد شده و اهمیت پوشش را از بهترین راه به انسان‌ها می‌رساند. از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «شخص نایبایی به در خانه حضرت زهرا علیها السلام آمد و اجازه خواست که به حضورش برسد. حضرت زهرا علیها السلام خود را پوشاند. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چرا خود را پوشاندی! او نایبنا است و تو را نمی‌بیند. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم. همچنین او بوییدنی‌ها را استشمام می‌کند. رسول خدا ﷺ از گفتار حضرت آنچنان شاد و خرسند شد که فرمود گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی» (رشیدی، ۱۳۸۵، ص ۴۶). با این روایات، حضرت فاطمه علیها السلام اهمیت پوشش را نشان می‌دهد. رفتار او در مقابل مرد نایبنا برای تمام زنان الگویی است که از ایشان سرچشمه می‌گیرد. در روایت دیگری آمده است: «کابین فاطمه علیها السلام چادر یمانی فرسوده و پوست گوسفند بود» (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۲۰/۸).

۶-۳. وضعیت حجاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

سیره خانوادگی رسول خدا ﷺ از زیباترین فرازهای زندگی آن حضرت است. ازدواج و زندگی مشترک برای پیامبر صلی الله علیه و آله معنا و مفهوم والایی داشت و این نشان‌دهنده نگاه متفاوت پیامبر صلی الله علیه و آله به زن بود. او همسر خود را هم صحبت و انیس خود در زندگی مشترک می‌دانست و مهرورزی و نرم‌خویی نسبت به همسرانش را در هیچ شرایطی ترک نمی‌کرد. (حکیم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۵) حضرت خدیجه علیها السلام، دختر خوید، اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت در زمان حیات خدیجه علیها السلام، غیر از او هیچ همسری اختیار نکرد (حکیم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۳). وجود اقدس حضرت خدیجه علیها السلام، آنچنان ارجمند بود که میان بانوان عصر جاهلیت، از نظر کمالات و ارزش‌های انسانی والا بود. از صفات حضرت خدیجه علیها السلام می‌توان به کمال طلبی، شجاعت، سخاوت، عفاف، تقوا و غیره اشاره کرد (هاشمی نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۷). عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت می‌فرمود:

«خدیجه در زیبایی، یکی از نیکوترین زنان و در خردورزی یکی از کامل‌ترین زنان و در فرزاندگی یکی از داناترین زنان و نیز یکی از عقیف‌ترین، متین‌ترین، باحیاط‌ترین، با شخصیت‌ترین و دارنده‌ترین زنان بود» (هاشمی نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹-۱۶۰). در منابع مختلف، از آن حضرت با نام زن باعفت یاد شده و صفات خوبی را به ایشان نسبت داده‌اند. این در حالی است که جامعه آن روز، درباره زنان آن زمان، پست‌ترین و بی‌عفت‌ترین عناوین را نسبت می‌داد، ولی حضرت خدیجه ع از آن جدا بود.

عایشه، سومین همسر رسول خدا ص، دختر ابوبکر بن ابی قحافه است. در مورد حجاب او این‌گونه نقل شده است: «یزید بن هارون از هشام بن حسان، از شمیسه ما را خبر داد که پیش عایشه رفته و بر تن او جامه مرتب و ضخیم و پیراهن و روسری و روبند دیده که گویا کمی زعفران رنگ شده بود» (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۶۹/۸). در روایتی دیگر آمده است که عایشه می‌گفت: «برای هر زنی از سه جامه به هنگام نماز چاره نیست که در آن نماز بگذارد. پیراهن و روسری بزرگ و جامه سراسری که تمام بدنش را بپوشاند. می‌گوید عایشه هم به هنگام نماز، ردای معمولی خود را کنار می‌گذاشت و همان جامه سراسری را می‌پوشید». (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۷۰/۸) جویری، دختر حرث بن ابی ضرار نیز از همسران رسول ص خواست که مقررات حجاب را برای او هم مقرر فرمود و ایام خود را برای او هم تقسیم کرد، همان‌طور که برای دیگر همسران خود تقسیم کرده بود (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۱۲۲/۸). صفیه، دختر جُبی بن اخطب، یک زن یهودی بود که مسلمان شد و پیامبر ص او را به همسری گرفت. از آن پس وقتی سوار شتر می‌شد صفیه را می‌پوشاند، چادر و جامه سراسری بر او می‌افکند و او را پشت سر خود سوار می‌کرد و ردای خود را بر چهره و پشت صفیه می‌انداخت و تا پایین پایش آن را می‌کشید و استوار می‌کرد و او را همراه خود می‌برد (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۱۲۴/۸-۱۲۵). ابن سعد به نقل از ابو ولید هشام طیالسی آورده است: «خودم، میمونه، همسر رسول خدا ص را دیدم که در پیراهنی بلند و گشاد و بدون اینکه روی آن از او بپوشد نماز می‌گذارد» (ابن سعد، ۱۳۸۸، ۱۴۱/۸).

۷. نتیجه‌گیری

درباره حجاب و پوشش زنان عرب‌تبار در دوران جاهلیت، دو دیدگاه را می‌توان ارائه کرد: گروهی بی‌حجاب بودند که تعداد آنها زیاد است، گروهی باحجاب بودند، ولی تعدادشان خیلی زیاد نیست. زنانی که حجاب داشتند به‌طور کامل موهایشان و بدن‌هایشان را نمی‌پوشاندند. با ظهور اسلام، باز هم گروهی از زنان بودند که حجاب کامل نداشتند و زینت‌هایشان را آشکار می‌کردند و شیوه لباس پوشیدنشان، باعث جلب توجه مردان شده و مورد آزار و اذیت آنها قرار می‌گرفتند. نازل شدن آیات حجاب بر پیامبر ﷺ، باعث حفظ ارزش‌های زنان شد؛ زیرا در بیشتر مواقع، زنان آزاد با کنیزان مخلوط می‌شد. با دستور پوشش، این مشکلات حل شد. دین اسلام بر پوشش زنان تأثیرات زیادی گذاشته و الزام پوشش، باعث داشتن حجاب کامل بر زنان شده است و عمل زنان بر این دستورات، باعث رواج حجاب در سرزمین‌های مختلف شده است.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن سعد، محمد (۱۳۸۸). طبقات کبری. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۲. جر، خلیل (۱۳۸۱). فرهنگ الازوس عربی به فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. جمشیدی، اسدالله (۱۳۸۴). نگاهی به تاریخچه حجاب در اسلام. نشریه تاریخ اسلام درآینه پژوهش، ۷، ۱۴۳-۱۵۸.
۴. حکیم‌زاده، فرزانه (۱۳۹۲). سبک زندگی رسول خدا با همسرانش. قم: جامعه الزهراء (ع).
دهخدا، علی اکبر (بی تا). دایره المعارف. تهران: سازمان لغت نامه دهخدا.
۵. دزی، راینهارییتران (۱۳۸۸). فرهنگ البسه مسلمانان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. رجیبی، عباس (۱۳۸۸). حجاب و نقش آن در سلامت روان. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
رشیدی، حسین (۱۳۸۵). حریم عفاف حجاب از دیدگاه آیات و روایات. قم: انتشارات رازبان.
۷. سالم، عبدالعزیز (۱۳۹۱). تاریخ عرب قبل از اسلام. تهران: علمی فرهنگی.
۸. سیاح، احمد (۱۳۸۰). المنجد. تهران: انتشارات اسلام.
۹. شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۸۲). حدود پوشش و نگاه در اسلام. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۱۰. طیبی، ناهید (۱۳۸۶). عطر عفاف، نگرش نو بر عفاف و حجاب. قم: جامعه الزهراء (ع).
۱۱. فتاحی‌زاده، فتاح (۱۳۹۲). حجاب از دیدگاه قرآن و سنت. قم: بوستان کتاب.
۱۲. گوستاو لوبون (۱۳۸۶). تاریخ تمدن اسلام و عرب. تهران: دنیای کتاب.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مهریزی، مهدی، و مشهدی علی‌پور، مریم (۱۳۸۹). نگاه دوباره به ویژگی‌های زن در عصر جاهلیت، نشریه بانوان شیعه، ۲۳، ۷-۳۶.
۱۶. هاشمی‌نژاد، اکرم‌السادات (۱۳۹۵). سرور زنان جهان ام‌المومنین حضرت خدیجه کبری. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.